

۲۰۲۱۷۴

نظریه عمومی انفساخ در قراردادها

(مطالعه تطبیقی در فقه و حقوق ایران)

بالیف:

دکتر سید محمد رضوی

عضو هیات علم دانشگاه تبریز

وکیل پایه یک دادگستری



مجمع علمی و فرهنگی مجد

www.ketab.ir

سرشناسه : رضوی، سید محمد،
 عنوان و نام پدیدآور : نظریه عمومی انفساخ در قراردادها: (مطالعه تطبیقی در فقه و حقوق ایران) /
 تألیف سیدمحمد رضوی.
 مشخصات نشر : تهران: مجد، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۲۶۸ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۰۰۴-۱ :
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۵۶.
 موضوع : نقض قرارداد (فقه)
 موضوع : (Breach of contract (Islamic law :
 رده -ی کتبه : ۱۳۹۷ عن ۱۹۰/۶ BP
 رده بنای دیویی : ۲۹۷/۳۷۲ :
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۵۲۴۵۴۹ :

هرگونه تکثیر که با استناد به کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
 مؤلف در تلف را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرماید.

نظریه عمومی انفساخ در قراردادها (مطالعه تطبیقی در فقه و حقوق ایران)

تألیف: در سیدمحمد رضوی

انتشارات مجد

تعداد: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول : ۱۳۹۸

حق چاپ محفوظ و تخصصی «مجد» است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۰۰۴-۱
 ISBN: 978-622-225-004-1

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای رانندگری، پلاک ۵۷

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۴۳۸۶

فروشگاه مرکزی: تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹

تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲

www.majdlaw.com

E-mail: info@majdlaw.com

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: @majdlaw

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۵	فصل اول: تبیین مفاهیم
۱۵	مبحث اول: عقد، قرارداد و معامله
۱۷	مبحث دوم: انفساخ
۱۷	گفتار اول: انفساخ و بطلان
۲۱	گفتار دوم: انفساخ و فسخ
۲۴	گفتار سوم: انفساخ و سقوط تعهد
۲۵	گفتار چهارم: انفساخ و وفای به عهد
۲۵	مبحث سوم: تصرف در عقد
۲۷	مبحث چهارم: مانع انفساخ عقد
۲۷	گفتار اول: فقدان شرط تقریبی برای انفساخ
۲۹	گفتار دوم: اعلانی بودن حکم دادگاه در مورد انفساخ
۲۹	گفتار سوم: تجزیه ناپذیری انفساخ
۳۰	مبحث پنجم: التزام
۳۳	فصل دوم: مبنای انفساخ
۳۳	مبحث اول: مبنای انفساخ در عقود جایز
۳۴	گفتار اول: جایز بودن
۳۷	گفتار دوم: فقدان اهلیت تکلیف و تصرف
۴۱	گفتار سوم: اذن بودن
۴۶	گفتار چهارم: از بین رفتن موضوع عقد
۴۸	بند اول: موضوع غیر قابل تجزیه
۴۹	بند دوم: موضوع قابل تجزیه
۴۹	گفتار پنجم: انقضاء مدت
۵۱	مبحث دوم: مبنای انفساخ در سایر عقود
۵۱	گفتار اول: وابستگی عقد به شخصیت یکی از طرفین
۵۲	بند اول: نامزدی و نکاح
۵۳	بند دوم: سایر عقود
۵۵	گفتار دوم: از بین رفتن دین در عقود تبعی
۵۷	بند اول: نظریه انفساخ حواله
۶۰	بند دوم: نظریه بقای حواله

۶۲ بند سوم: نظریه تفصیل
۶۳ بند چهارم: بررسی فرض کشف بطلان بیع
۶۴ گفتار سوم: همبستگی دو عوض و تلف قهری یکی از آن دو
۶۷ بند اول: تکلیف به مالایطاق
۶۸ بند دوم: تقابل صحت و بطلان
۶۹ بند سوم: عدم مالیت و لزوم غرر
۷۰ بند چهارم: اکل مال به باطل
۷۱ گفتار چهارم: انشاء هدف تراضی
۷۲ بند اول: عدم جریان حکم در کلی
۷۳ بند دوم: مخالفین ضمانت بایع
۷۳ بند سوم: اتلاف مبیع توسط ثالث
۷۴ بند چهارم: اتلاف بیع توسط بایع
۷۴ الف: اتلاف قبل از قبض
۷۵ ب: اتلاف بعد از قبض
۷۶ گفتار پنجم: اراده مستقیم طالعین
۷۷ گفتار ششم: انقضای مدت
۷۸ گفتار هفتم: مخالفت با مقتضای عقد
۷۹ گفتار هشتم: نفی عسر و حرج و اضرار
۸۱ فصل سوم: موجبات انفساخ
۸۱ مبحث اول: تعذر اجرای قرارداد
۸۲ گفتار اول: از بین رفتن موضوع عقد
۸۳ بند اول: تلف تمام موضوع و قاعده «تلف قبل از قبض»
۸۴ الف: مفاد و مضمون قاعده
۸۵ ب: ادله قاعده
۸۶ ج: عامل تلف
۸۸ د: احتمالات در «من مال بایعه»
۸۸ ه: جریان قاعده در ثمن
۹۰ و: جریان قاعده در بیع مال مشاع
۹۰ ز: جریان قاعده در سایر عقود
۹۳ ح: تعارض با قاعده «الخراج بالضمان»
۹۵ بند دوم: تلف بخشی از موضوع
۹۶ بند سوم: تلف بعد از قبض و در زمان خیار در عقد بیع

۱۰۰.....	بند چهارم: امکان اجرای خیار تعذر تسلیم
۱۰۷.....	بند پنجم: بطلان قرارداد
۱۰۷.....	گفتار دوم: برخورد اجرای عقد با قوه قاهره
۱۰۸.....	بند اول: غصب مال موضوع عقد
۱۰۹.....	الف: ممانعت از استیفای منافع
۱۰۹.....	ب: غصب کل یا جزء عین مستاجر
۱۱۰.....	بند دوم: تلف مورد عقد، در عقود استمراری
۱۱۱.....	بند سوم: نظریه حوادث طاری یا هاردشیپ
۱۱۲.....	الف: دو شرط لازم برای تحقق هاردشیپ
۱۱۲.....	ب: تعمیم تعذر به فرض تعسر
۱۱۵.....	ج: تعذر موضوع کلی
۱۲۳.....	گفتار سوه حکم شرطی که انجام آن متعذر میشود
۱۲۲.....	بند اول: اسماخ بند نتیجه تعذر شرط
۱۲۵.....	بند دوم: ایجاد حق نسخ نتیجه تعذر شرط
۱۲۵.....	الف: نظریه الزام
۱۲۸.....	ب: نظریه تخییر
۱۳۱.....	ج: نظریه تفصیل بین حق الناس و حق الله
۱۳۲.....	د: بررسی ادله
۱۳۶.....	بند سوم: تاثیر تعذر وصول مهریه و نفقه بر عقد نکاح
۱۳۶.....	الف: مهریه
۱۳۶.....	ب: نفقه
۱۳۶.....	مبحث دوم: شرط تعلیق انحلال عقد
۱۳۷.....	گفتار اول: تفاوت شرط فاسخ و عناوین مشابه
۱۳۷.....	بند اول: تفاوت شرط فاسخ و خیار شرط
۱۳۹.....	بند دوم: تفاوت شرط فاسخ و شرط مبطل
۱۳۹.....	گفتار دوم: قلمرو شرط فاسخ
۱۳۹.....	بند اول: اعتبار شرط فاسخ
۱۴۱.....	الف: دلیل مخالفین شرط فاسخ
۱۴۵.....	ب: دلیل موافقین شرط فاسخ
۱۴۸.....	بند دوم: بیان یک قاعده
۱۴۹.....	بند سوم: فساد و افساد شرط فاسخ
۱۵۱.....	بند چهارم: شرط فاسخ در عقود جایز
۱۵۱.....	گفتار سوم: اثر شرط فاسخ پس از تحقق

- ۱۵۲..... بند اول: امکان تاثیر شرط فاسخ در گذشته
- ۱۵۳..... بند دوم: لزوم توجه به مفاد شرط فاسخ
- ۱۵۳..... بند سوم: صرفنظر کردن از شرط فاسخ از سوی مشروط له
- ۱۵۴..... مبحث سوم: حدوث تضاد با حکم شارع
- ۱۵۴..... گفتار اول: نکاح
- ۱۵۴..... بند اول: رضاع
- ۱۵۵..... بند دوم: اصرار بر زنا
- ۱۵۷..... بند سوم: ارتداد
- ۱۵۸..... بند چهارم: تغییر جنسیت احد زوجین
- ۱۵۹..... بند پنجم: مسلمان شدن
- ۱۶۰..... بند ششم: افضاء زوجه
- ۱۶۰..... بند ششم: عان
- ۱۶۰..... گفتار دوم: وقف
- ۱۶۱..... مبحث چهارم: موت، سور و سفه
- ۱۶۲..... گفتار اول: در عقود لازم
- ۱۶۲..... بند اول: موت
- ۱۶۶..... بند دوم: جنون
- ۱۶۹..... بند سوم: سفه
- ۱۶۹..... بند سوم: بیهوشی و آنزایمر
- ۱۷۲..... بند چهارم: ورشکستگی
- ۱۷۳..... بند پنجم: مستی
- ۱۷۴..... گفتار دوم: در عقود لازم
- ۱۷۴..... بند اول: قبل از تحقق شرط لزوم
- ۱۷۵..... بند دوم: بعد از تحقق شرط لزوم
- ۱۷۶..... الف: اثر فوت بر انفساخ عقد کفالت
- ۱۷۷..... ب: اثر فوت بر انفساخ عقد اجاره
- ۱۸۲..... ج: تاثیر موت، جنون و سفه بر نکاح
- ۱۸۳..... د: عقد لازم مستمر با شرط مباشرت
- ۱۸۳..... مبحث پنجم: انحلال عقد لازم
- ۱۸۳..... گفتار اول: شرط عقد، در ضمن عقد لازم و انحلال عقد لازم
- ۱۸۴..... بند اول: ظهور بطلان عقد اصلی
- ۱۸۷..... بند دوم: فسخ یا اقاله عقد اصلی
- ۱۸۸..... بند سوم: انفساخ عقد اصلی

۱۸۸.....	گفتار دوم: فسخ بیع شرط
۱۹۱.....	مبحث ششم: تحالف
۱۹۳.....	گفتار اول: عدم وابستگی انفساخ به حکم قاضی در فرض تحالف
۱۹۳.....	گفتار دوم: عدم وابستگی تحالف به طرح دعوای تقابل
۱۹۴.....	گفتار سوم: انحلال واقعی و انحلال ظاهری
۱۹۴.....	مبحث هفتم: اعمال حق شفعه
۱۹۵.....	گفتار اول: ابطال قرارداد معارض با حق شفیع
۱۹۶.....	گفتار دوم: عدم نفوذ قرارداد معارض با حق شفیع
۱۹۸.....	گفتار سوم: عدم قابلیت استناد قرارداد معارض با حق شفیع
۱۹۹.....	گفتار چهارم: وقوع قرارداد معارض با حق شفیع به نحو مراعی
۱۹۹.....	گفتار پنجم: اثر انفساخ قرارداد معارض با حق شفیع
۲۰۵.....	فصل چهارم: ا. کام انفساخ
۲۰۵.....	مبحث اول: از بین رفتن آثار عقد
۲۰۵.....	گفتار اول: آثار زمان و قاعده عقد
۲۰۶.....	بند اول: بازگشت عوسین به مال، قبل از عقد
۲۰۹.....	بند دوم: از بین رفتن آثار نقد در اثر انفساخ
۲۱۱.....	گفتار دوم: آثار مربوط به زمان انفساخ
۲۱۱.....	بند اول: صحت ضمان عهده
۲۱۳.....	بند دوم: عدم وجود ضمان قهری
۲۱۶.....	مبحث دوم: اثر نفوذ اراده در شرط خلاف
۲۱۷.....	گفتار اول: شرط عدم انفساخ
۲۱۷.....	بند اول: انفساخ به دلیل وابستگی به شخصیت طرف
۲۱۷.....	بند دوم: انفساخ به دلیل از بین رفتن اذن
۲۲۴.....	بند سوم: انفساخ به دلیل پایان مدت
۲۲۶.....	بند چهارم: انفساخ به دلیل مخالفت با شرع
۲۲۶.....	بند پنجم: تغییر شرایط انحلال با شرط ضمن عقد
۲۲۷.....	بند پنجم: شرط تسری احکام انفساخ به فرض بطلان و عدم نفوذ
۲۲۷.....	بند ششم: گستره نفوذ اراده در تغییر آثار عقد
۲۲۷.....	گفتار دوم: شرط عدم مسوولیت
۲۲۸.....	مبحث سوم: انقلاب ید
۲۲۹.....	گفتار اول: تبدیل ید امانی به ید ضمانی
۲۲۹.....	گفتار دوم: تبدیل ید امانی قراردادی به ید امانی قانونی

- ۲۲۹..... بند اول: از بین رفتن سبب ایجاد اذن
- ۲۳۰..... بند دوم: انحلال قرارداد بر اثر شرط مدت
- ۲۳۱..... گفتار سوم: اجرای قاعده مایضمن در فرض انفساخ عقد
- ۲۳۲..... مبحث چهارم: احکام تصرفات در فاصله عقد تا انفساخ
- ۲۳۲..... گفتار اول: ضمانت نسبت به تغییرات موضوع معامله
- ۲۳۳..... گفتار دوم: اثر انفساخ عقد در نمائات
- ۲۳۳..... بند اول: تفکیک منافع متصل و منفصل
- ۲۳۴..... بند دوم: اثر تراضی در بازگشت منافع
- ۲۳۷..... گفتار سوم: حکم تصرفات
- ۲۳۷..... بند اول: تصرف مادی
- ۲۳۸..... بند سوم: تصرف حقوقی
- ۲۴۰..... مبحث پنجم: اقسام انفساخ و سایر عناوین
- ۲۴۰..... گفتار اول: انفساخ بر نفع ضرر
- ۲۴۲..... گفتار دوم: انفساخ بر سبب
- ۲۴۴..... گفتار سوم: انفساخ بر اخبارات ناشی از تسبیب
- ۲۴۵..... گفتار چهارم: انفساخ و حقوق در آن
- ۲۴۷..... مبحث ششم: بار اثبات دعوی در دعای انفساخ
- ۲۴۸..... گفتار اول: انفساخ ناشی از تعذر
- ۲۴۹..... گفتار دوم: انفساخ ناشی از حدوث مانع
- ۲۴۹..... گفتار سوم: اختلاف در زمان حدوث عامل انفساخ
- ۲۴۹..... بند اول: اختلاف در زمان تلف
- ۲۵۰..... بند دوم: اختلاف در زمان اجرای موضوع
- ۲۵۱..... گفتار چهارم: اختلاف در آثار انفساخ
- ۲۵۵..... منابع

مقدمه

لزوم اجرائی قرارداد

اجرائی حد کامل، به استناد ادله‌ی قرآنی و روایی فراوان واجب و لازم خواهد بود. مهم‌ترین دلیل قرآنی، آیه‌ی وفای به عقد، آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۱ است که فقیهان در مباحث مربوط به معاملات در موارد متعدد بدان استناد می‌کنند. همچنین آیات متعدد در قرآن وجود دارد که وفای به عهد را از صفات مومنین^۲ و در برخی موارد موجب می‌شود ایشان می‌دانند^۳ در روایات نیز این مسأله به کرات و در ابواب مختلف دیده می‌شود و حاصل آن روایت «الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»^۴ با تفسیر موسع در معنای شرط، تبلور یافته است. آن مرد در معاملاتشان مد نظر دارند نیز همین است، کسی که خانه‌ای را می‌خرد، در لحظه‌ی خرید خود را مالک آن می‌بیند و گمان برگشت مالکیت آن به فروشنده را ندارد. خریدار زمینگر که قصد درختکاری یا ساختن بنا در زمین دارد قصد ندارد عقد را به گونه‌ای منعقد کند که در آن زمان، ملکیت زمین مذکور از وی سلب شود و حاصل کار او در ابهام فرو رود و گریبان‌گیر چالش‌های مدرسه‌ای علم حقوق و پیچ و خم دادگاه گردد. برخورداری از اثرات اعمال حق فایده است که محرک اراده‌ی مردم می‌شود و شوق حرکت به سوی آن را در نهاد ایشان ایجاد می‌کند و ایشان را به انعقاد آن سوق می‌دهد.

اندیشیدن به عدم اجرا یا مواجه شدن با عامل انحلال، می‌تواند مانع بزرگی بر راه شوق مذکور و اراده‌ی بر انعقاد آن باشد. قرارداد، اعم از لازم یا جایزه، به عنوان یک عمل

۱- سوره مائده، آیه ۱ و آیه ۱۰۷ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (سوره اسراء، آیه ۳۴).

۲- وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (سوره مومنون، آیه ۸ و سوره معارج، آیه ۳۲).

۳- در آیه وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (سوره مریم، آیه ۵۴) خداوند اسماعیل را که یکی از پیامبران الهی بوده به صادق الوعد بودن می‌ستاید.

۴- کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۶۹.

حقوقی همواره با التزامات یا تعهداتی همراه است^۱ که به محض انعقاد عقد اجرا نمی‌شود و بر عهده‌ی یکی از طرفین آن یا هر دو طرف قرار می‌گیرد. این تعهدات مادامی که عقد پابرجاست استمرار دارد، لکن در مواردی نیز عقد، بعد از اینکه مدتی اعتبار حقوقی دارد، اعم از اینکه تمام تعهدات ناشی از آن اجرا شود یا خیر، به وسیله‌ی یکی از طرفین یا عامل خارجی از بین می‌رود در نتیجه الزامات ناشی از عقد نیز از بین خواهد رفت. انحلال قرارداد با اراده طرفین آن فسخ یا تفاسخ است و انحلال با عامل غیر ارادی را انفساخ می‌گویند.

همین اراده‌ی بر بقای عقد است که منشا ایجاد اصلی به نام اصل لزوم شده است. تاکید بیشتر بر اندازه بر اصل مذکور نیز همواره با ضرورت‌های فقهی و اجتماعی سازگاری ندارد، بنابراین مصادیقی پیش‌بینی شده است که در آن تکلیف به اجرای تعهد ساقط و تعهد منحل می‌گردد. این مصادیق گاه منشا و مبدا ارادی دارد و گاهی نیز بدون دخالت اراده ایجاد می‌شود و اثر می‌کند، در این نوشتار به این مصادیق موجبات یا اسباب انفساخ گفته شده است.

ضرورت موضوع

در مباحث نظری، مبانی، پایه‌های ساختار استدلال را تشکیل می‌دهند. از این رو اتخاذ مبنا در هر مساله بنای متفاوتی را پدید می‌آورد. نمود این امر در مباحث ماهوی حقوق مدنی که عمدتاً متخذ از فقه اسلامی است به فراوانی دارد، یکی از اشکالات عمده‌ای که در نوشته‌های سابق وجود دارد و حقوقدانان معاصر در پی رفع آن بوده‌اند عدم جداسازی قواعد عمومی از قواعد اختصاصی است. بسیاری از قواعد به صورت پراکنده و در بحث‌های متفاوت از یکدیگر مطرح می‌شود، کشف نظریه عمومی از لابلای مطالب پراکنده از طریق استقراء در مبانی، اسباب و مسائل کار دشواری است. در این حال راه را برای فهم مجموع مطالب وسیطره‌ی بر آن و کشف راه حل در مسائل جدید، آسان می‌کند. تتبع و جستجو در کلمات پیشینیان نشان می‌دهد در موارد بسیاری تفکیک دقیق مباحث از یکدیگر صورت نگرفته و اصطلاحات مشابه به جای یکدیگر استعمال می‌شده است، این شیوه از خلط در موضوعات مرتبط با این کتاب حتی در قانون مدنی نیز به

۱- مراد از وفای به عقد که در آیه مذکور آمده است نیز عمل به مقتضای عقد است اعم از اینکه عقد لازم باشد یا جایز (شهید ثانی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۶، ص ۱۸ و انصاری، کتاب المکاسب، ج ۵، ص ۱۸).

کرات به چشم می‌خورد، مثلاً قانون‌گذار به جای کلمه‌ی انفساخ از کلمه بطلان استفاده می‌کند یا مواردی نظیر آن که از عدم دقت حکایت دارد.

از سوی دیگر مباحث مربوط به انفساخ با توجه به سبب آن در جاهای مختلف و به صورت پراکنده مورد بحث قرار گرفته است و در کتب حقوقی نیز کامل‌ترین بحث را مرحوم دکتر کاتوزیان در انتهای جلد پنجم کتاب قواعد عمومی قراردادها ارائه کرده‌اند که آن‌هم به صورت بسیار مختصر و در دو گفتار مطرح شده است: انفساخ ناشی از تراضی و انفساخ ناشی از قانون^۱. مقالاتی نیز توسط نویسندگان در مورد اسباب مختلف انفساخ نوشته شده است و به جز در موارد بسیار اندک به مبانی آن پرداخته نشده است.

آنگونه که اندیشمندان حقوقی معاصر بیان داشته‌اند فقه اسلامی در بیان راه حل برای هر مسأله صرفاً به همان مسأله توجه کرده^۲ و در مورد آن حکم صادر شده است، تبیین نظریه عمومی برای مجموع مسائل کمتر دیده می‌شود.

پژوهش حاضر مستلزم احکام مرتبط با انفساخ را امکان‌پذیرتر و راحت‌تر می‌کند خصوصاً اینکه به طور نام‌بردار به صورت مصداقی به تمام عقود، حتی عقد نکاح، پرداخته می‌شود. بنابراین سبک و روش این نوشتار کلی کردن مطالب و ذهنی کردن آن نیست بلکه همواره تکیه بر مصداق بوده و سعی شده است مسائل با مثال‌های خارجی توضیح داده شود و در عین حال جلوی پراکندگی آن گرفته شود.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از تمام کسانی که در به سرانجام رساندن این کار مرا یاری کردند تشکر و قدردانی کنم، همچنین برای جناب آقای دکتر حسینی نیک مدیر محترم انتشارات مجد که در راستای ارتقای فکر حقوقی جامعه، خالصانه تلاش می‌کنند، توفیق روزافزون از خداوند متعال خواستارم.

۱- در کتاب مذکور انفساخ عقد را به اعتبار نقشی که اراده در ایجاد سبب آن دارد به گروه تقسیم شده است: انفساخ که به طور مستقیم ناشی از اراده صریح دو طرف قرارداد است، انفساخ که ناشی از حکم قانونگذار است ولی از تحلیل حکم چنین برمی‌آید که اراده‌ی مفروض و ضمنی دو طرف را اجرا می‌کند و انفساخ که در نتیجه‌ی حکم قانونگذار صورت می‌پذیرد و هدف آن تأمین بایه‌ی تراضی و بایگانه اراده در ذهن است (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، ص ۳۴۲، ش ۱۰۸۳) در نوشته حاضر از این شیوه تقسیم بندی تبعیت نشده است.

۲- سنهوری، مصادر الحق فی الفقه الاسلامی، ج ۶، ص ۹۵.